



(فرار از زندگانی بشری، اخلاقی و تحصیسی است) (مهریلا شهبان)

مؤلف: فاتح مولانایی

|                                                                                             |                       |
|---------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------|
| مولانا، فاتح                                                                                | مرشناسه :             |
| هزار دستان : فرازی از زندگانی هنری، اخلاقی و شخصیتی استاد محمدرضا شجریان/مؤلف فاتح مولانایی | عنوان و نام پدیدآور : |
| سندج: نالای رووناک،                                                                         | مشخصات نشر :          |
| ص ۲۲۸                                                                                       | مشخصات ظاهری :        |
| ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۰۷-۵۹-۳                                                                           | شابک :                |
| فیفا                                                                                        | وضعیت فهرست نویسی :   |
| کتابنامه                                                                                    | یادداشت :             |
| فرازی از زندگانی هنری، اخلاقی و شخصیتی استاد محمدرضا شجریان                                 | عنوان دیگر :          |
| شجریان، محمدرضا                                                                             | موضوع :               |
| آوازخوانان ایرانی -- سرگذشتنامه                                                             | موضوع :               |
| Singers -- Iran -- Biography                                                                | موضوع :               |
| ML۴۲۰                                                                                       | رده بندی کنگره :      |
| ۰۹۲/۷۸۹                                                                                     | رده بندی دیویی :      |
| ۷۵۰۳۹۳۸                                                                                     | شماره کتابشناسی ملی : |

### هزار دستان

(فرازی از زندگانی هنری، اخلاقی و شخصیتی استاد محمد رضا شجریان)

مؤلف: فاتح مولانایی

ناشر: نالای رووناک

صفحه آرای: ریزان احمدی

طراحی جلد: خالد مهدوی

نقاش: زهرا ملکی

نوبت چاپ: ۱۶۰۰

تیراژ: ۵۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۰۷-۵۹-۳

مرکز پخش: سندج - چهار راه شهدا - پاساژ عزتی - انتشارات نالای رووناک

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

## فهرست

|    |                                     |
|----|-------------------------------------|
| ۷  | پیشگفتار                            |
| ۱۸ | خسرو آواز وطن                       |
| ۱۹ | تولد                                |
| ۲۲ | خانواده پدری                        |
| ۲۸ | دوران کودکی                         |
| ۳۱ | پایان جنگ جهانی دوم                 |
| ۳۵ | دوران دبیرستان                      |
| ۳۹ | ورود به دانشسرای مقدماتی            |
| ۴۱ | فارغ التحصیلی                       |
| ۴۴ | ستور نوازی                          |
| ۴۶ | ازدواج                              |
| ۴۹ | آغاز آواز                           |
| ۵۳ | آغاز تحولی تازه در کار هنری         |
| ۵۹ | رسالت هنرمندان                      |
| ۶۵ | هنر خوشنویسی                        |
| ۶۸ | شجریان و لطفی                       |
| ۷۶ | شرکت در مسابقات قرائت کشوری         |
| ۸۱ | فاصله از رادیو و تلویزیون           |
| ۸۵ | ترانه شب نورد و ایران، ای سرای امید |

|     |                                 |
|-----|---------------------------------|
| ۸۹  | رینا                            |
| ۹۹  | دهه‌ی شصت                       |
| ۱۰۷ | دهه‌ی هفتاد و هشتاد             |
| ۱۲۰ | هم‌نوا با هم                    |
| ۱۲۶ | ادامه فعالیت‌ها در دهه‌ی هشتاد  |
| ۱۳۰ | سال‌های پایانی دهه‌ی هشتاد      |
| ۱۳۶ | دهه‌ی نود                       |
| ۱۳۹ | بروز و بهسازی                   |
| ۱۵۱ | تشیع و توفیق                    |
| ۱۵۳ | مرگ میراندن همیشگی است          |
| ۱۶۰ | جانی و آفرینش                   |
| ۱۷۵ | موسیقی هدف نیست                 |
| ۱۷۹ | پاره‌ای از جای وطن              |
| ۱۸۲ | هنر تصویرسازی                   |
| ۱۹۳ | شجریان و مولانا                 |
| ۲۰۲ | تأثیرپذیری از سعدی              |
| ۲۱۰ | شجریان و لسان‌الغیب حافظ شیرازی |
| ۲۱۹ | جرازی از علام استاد             |
| ۲۲۴ | شاه آواز                        |

## پیشگفتار

عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، عصر تکنولوژی است. عصری که نه تنها در اسباب و وسایل و ابزار حتی در اهداف و غایات با گذشته بسیار متفاوت است. پیشرفت‌های متعدد بشریت در زمینه‌های مختلف علمی موجب شده تا زندگی انسان‌ها رنگی دگر به خود گیرد چنانکه امروزه از این جهان پهناور به اسم دهکده‌ای جهانی یاد می‌شود و به‌یمن ارتباطات جمعی، آدمیان در سرتاسر این زمین پهناور از همدیگر مطلع هستند.

هرچند که نمی‌توانیم فواید ارزنده‌ی پیشرفت‌های علمی بشریت متمدن را، نادیده انگاریم اما می‌دانیم با وجود این همه دستاورد و اختراعات و اکتشافات نوین در زمینه‌های مختلف و برخورداری از ابزار و وسایل جدید، متأسفانه بشریت بیش از پیش، دچار افسردگی و تشویش ذهنی و روحی گشته است چنانکه این بیماری خانمان سوز و خشم و اضطراب و وحشت و دهشت ناشی از آن، امروزه در دنیا بیداد می‌کند. به گونه‌ای که آرامش و شادی و لذت از زندگی، به رؤیایی دست نیافتنی مبدل گشته، که باید در لابه

لای کتاب‌ها آن را جستجو کرد.

انسان متمدن در عصر حاضر، برای به دست آوردن آرامش به هر دری می‌کوبد و گاهی بر خلاف مسیر فطرت و سرشت پاکش، به هر ابزاری متوسل می‌شود تا آرامش از دست رفته را به زندگی خویش بازگرداند و لحظات عمرش را در شادی و آرامش به پایان برد اما به هر وسیله‌ای که چنگ می‌زند فقط برای لحظاتی کوتاه او را از خود بی‌خود می‌کند سپس رنج و الم‌ها از زیر خروارها آوار که به دست خود بر سر خود ریخته، سر برون خواهد آورد و او را بیش از پیش دچار آس و نومیدی و اضطراب خواهد ساخت. این در حالی است که انسان‌های پیشین با وجود محرومیت‌های مختلف و عدم برخورداری از ابزار و وسایل نوین، در آرامش بیشتری به سر می‌بردند و زندگی در جریان بود. بی‌تردید چیره شدن استرس و افسردگی بر زندگی انسان متمدن عصر نوین، حاصل غفلت از خویشی خویش است.

به تعبیر حضرت مولانا: «اکنون همچنین علمای اهل زمان در علوم، موی می‌شکافند و چیزهای دیگر را که به ایشان تعلق ندارد به غایت دانسته‌اند و ایشان را بر آن احاطت کلی گشته. و آنچه مهم است و به او نزدیک‌تر از همه آن است، خودی اوست و خودی خود را نمی‌داند! همه چیزها را به حلّ و حرمت حکم می‌کند که: این جایز است و آن جایز نیست! و این حلال است و آن حرام است! خود را نمی‌داند که حلال است یا حرام است، جایز است یا ناجایز است، پاک است یا ناپاک است!»<sup>۱</sup>

بی‌گمان غفلت‌یکی از سهمگین‌ترین و مذموم‌ترین آفات اخلاقی است که اگر ادامه پیدا کند انسانیت انسان را مسخ خواهد کرد و ارزش‌ها را از

۱- شرح کامل فیه ما فیه، گفتارهایی از مولانا جلال الدین محمد بلخی، کریم زمانی، ص ۷۵

او می‌ستاند و برای همیشه او را اسیر این خاکدان خواهد ساخت. به تعبیر خواجه یوسف همدانی: «این غفلت حجابی عظیم است. چون غفلت برخاست، حجاب برخاست»<sup>۱</sup>.

کوشش آدمی در راه رسیدن به آرامش به وسیله‌ی عقل جزوی و استفاده از ابزار و وسایل جدید، در حالی که اسیر محسوسات و مفتون جهان پیرامون است ره به جایی نخواهد برد مگر آنکه به پشتوانه‌ی روح الهام‌بخش و بینش و معرفت متصل به حقایق وجود، مجدداً راه خود را بیابد و استعدادهای درونش را شکوفا گرداند و در مسیر تعالی و تکامل گام نهد تا به دنیای آن سوی محسوسات و جهان ناشناخته معقولات پی ببرد و آرامشی یابد زیرا که هیچ چیز در خارج از وجود آدمی نمی‌تواند آن سان که باید انسان را به آن آرامش مطلوب رساند هر چه که هست در درون خود اوست اما متأسفانه عطف توجه بیش از اندازه‌ی لازم به جهان محسوسات، چنان انسان عصر نوین را از خود غافل ساخته که به هر چیزی می‌پردازد به جز خویشتن خویش.

آخر چه چیزی در این دنیا شایستگی و بایستگی آن را دارد تا آدمی را مفتون خویش سازد و او را از حرکت به سوی رشد و کمال باز دارد؟ در حالی که به تعبیر مولانا جهان همه مفتون و شیدای اوست چرا که درون آدمی معدن فضائل و معارف است اما زمانی که گوهر حقیقی وجود خویش را فراموش می‌کند چنان شیفته‌ی خرقه‌ی ژنده پوش جسم و جهان محسوسات می‌گردد که انسانیتش سراسر مسخ می‌شود.

مارگیر از بهر حیرانسی خلق  
مار گیرد اینست نادانی خلق

۱- مجالس خواجه یوسف همدانی (ابو یعقوب یوسف ابن ایوب همدانی ۵۳۹- ۴۴۰ هـ. ق.)

آدمی کوهی است چون مفتون شود  
 کوه اندر مار حیران کی بود  
 خویشتن نشناخت مسکین آدمی  
 از فزونی آمد و شد در کمی  
 خویشتن را آدمی ارزان فروخت  
 بود اطللس، خویش بر دلقی بدوخت  
 صد هزاران مار و گه حیران اوست  
 او چرا حیران شده ست و مار دوست؟<sup>۱</sup>

حقیقتاً حکایت آن مارگیر مفلوک که اژده‌های مرده‌وش را کشان کشان، بهر حیرانی خلق به میدان بغداد آورد و در مقابل حرارت آفتاب سوزان قرار داد که نهایتاً به هلاکش انجامید، نقد حال انسان‌های غفلت زده و از خود بیگانگی امروزی است که اسیر نفس و جهان محسوسات شده‌اند و با من حقیقی خویش بیگانه‌اند. خالی که عالی‌ترین و زیباترین منظر در این کره‌ی خاکی خود اوست اما اسفا که او حیران شده است و مار دوست.

ارباب معانی اگر توانستند به آن مرتبه‌ی والا از آرامش دست‌یابند و به سرچشمه‌ی لذات نائل گردند و با حرکات بزرگ منشانه‌ی خود، جهانی را متحول سازند، همه و همه حاصل آشتی با خویشتن خویش و شکستن قفل زندان بر پای جان بود زیرا که آنان حقایق را در درون خود می‌جستند نه در برون به قول دکتر سروش: «اصلی‌ترین حرف عارفان این است که حقیقت در درون ماست و شرط دیدن آن، شفاف بودن و عطش ناک بودن است که اگر آدمی شفاف و عطش ناک باشد حقیقت خود به سراغ او خواهد آمد»<sup>۲</sup>

۱- مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین، دفتر سوم «۱۰۰۲-۹۹۸»

۲- شبی در کنار آفتاب، دکتر عبدالکریم سروش، منتشر شده در سایت رسمی ایشان.